

٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

حَيَوَانَاتُ الْغَابَةِ حَيَوَانَاتِ جَنْغَلٍ



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: (۲۱ کلمه جدید)

قَرَعٌ: کوبید = طَرَقَ (مضارع: يَقْرَعُ) می کوبد	قَرَعٌ: کوبید = طَرَقَ (مضارع: يَقْرَعُ) می کوبد	أَسَدٌ: شیر	أَسَدٌ: شیر
كَبَّرٌ: بزرگسالی كَبَّرٌ ≠ صَغُرٌ	كَبَّرٌ: بزرگسالی كَبَّرٌ ≠ صَغُرٌ	تَعَلَّبٌ: روباه	تَعَلَّبٌ: روباه
كَلْبٌ: سگ	كَلْبٌ: سگ	ثَقِيلُ السَّمْعِ: کم شنوا «ثَقِيلٌ: سنگین + سَمْعٌ: شنوایی»	ثَقِيلُ السَّمْعِ: کم شنوا «ثَقِيلٌ: سنگین + سَمْعٌ: شنوایی»
لا تَحْلِفُ: سوگند نخور (ماضی: حَلَفَ) سوگند خورد	لا تَحْلِفُ: سوگند نخور (ماضی: حَلَفَ) سوگند خورد	جَدٌّ: کوشید (مضارع: يَجِدُّ) تلاش میکند	جَدٌّ: کوشید (مضارع: يَجِدُّ) تلاش میکند
لَجٌّ: پافشاری کرد (مضارع: يَلِجُ) پافشاری میکند	لَجٌّ: پافشاری کرد (مضارع: يَلِجُ) پافشاری میکند	جَرَحٌ: زخمی کرد (مضارع: يَجْرَحُ) زخمی میکند	جَرَحٌ: زخمی کرد (مضارع: يَجْرَحُ) زخمی میکند
مَاتٌ: مُرد (مضارع: يَمُوتُ) می میرد	مَاتٌ: مُرد (مضارع: يَمُوتُ) می میرد	حَاوَلٌ: تلاش کرد (مضارع: يُحَاوِلُ) تلاش میکند	حَاوَلٌ: تلاش کرد (مضارع: يُحَاوِلُ) تلاش میکند
مَصِيرٌ: سرنوشت	مَصِيرٌ: سرنوشت	حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: باغ وحش	حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: باغ وحش
نَجَاحٌ: موفقیت	نَجَاحٌ: موفقیت	رَائِدٌ: جلودار	رَائِدٌ: جلودار
نَقَصٌ: کم شد (مضارع: يَنْقُصُ) کم میشود	نَقَصٌ: کم شد (مضارع: يَنْقُصُ) کم میشود	سَاكِتٌ: ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ) ساکت میشود	سَاكِتٌ: ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ) ساکت میشود
وَلَجٌ: داخل شد = دَخَلَ	وَلَجٌ: داخل شد = دَخَلَ	شَجَّعَ عَلِيٌّ: تشویق کرد به (مضارع: يُشَجِّعُ) تشویق میکند	شَجَّعَ عَلِيٌّ: تشویق کرد به (مضارع: يُشَجِّعُ) تشویق میکند
دَخَلَ = خَرَجَ	دَخَلَ = خَرَجَ	ظَنَّ: گمان کرد (مضارع: يَظُنُّ) گمان میکند	ظَنَّ: گمان کرد (مضارع: يَظُنُّ) گمان میکند

جَدٌّ: پدر بزرگ

الرَّجَاءُ

امید

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ: أَسَدٌ وَ ثَعْلَبٌ وَ ذِئْبٌ وَ غَزَالَةٌ وَ كَلْبٌ وَ ...

گروهی از حیوانات در جنگلی بودند: شیرو روباه و گرگ و آهو و سگ و ...



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً؛ ثُمَّ سَتَرُوهَا
 در روزی از روزها شش شکارچی آمدند و گودال عمیقی کردند سپس آن را پوشاندند
 لِصَيْدِ الْحَيَوَانَاتِ وَ بَيْعَهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ. وَ قَفِحَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ فِي الْحُفْرَةِ
 برای شکار حیوانات و فروش آنها به باغ وحش . روباه و آهو ناگهان داخل گودال افتادند
 بَخْتَةً؛ فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً؛ لَكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ؛ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ
 پس کمکی خواستند؛ اما حیوانات فرار کردند
 زيرا آنها شنیدند از دور

أَصْوَاتِ الصَّيَّادِينَ. حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ.
 صدای شکارچی هارا روباه و آهو برای نجات یافتن تلاش کردند
 بَعْدَ دَقَائِقٍ رَجَعَتْ حَمَامَةٌ وَ قَالَتْ لِلثَّعْلَبِ:

«لَا فَائِدَةَ لِلْمُحَاوَلَةِ. لَا تَصْعَدُ. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ. لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ.»
 بعد از چند دقیقه کبوتری برگشت و به روباه گفت
 هیچ فایده ای برای تلاش کردن نیست بالا نرو. تو نمی توانی. بدنت را زخمی کردی
 وَ رَجَعَ الْكَلْبُ وَ قَالَ لِلْغَزَالَةِ:
 سگ برگشت و به آهو گفت

«لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَصْعَدِي. أَنْتَ لَا تَقْدِرِينَ. لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ.»
 هیچ امیدی برای نجاتت نیست بالا نرو. تو نمی توانی بدنت را زخمی کردی
 حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَ لَكِنَّ بِدُونِ فَائِدَةٍ.
 روباه و آهو دوباره برای خارج شدن تلاش کردند ولی بی فایده بود

يَبْسُتِ الْغَزَالَةَ وَ يَقْبِثُ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا.
 اهو نااميد شد و در جاي خود باقي ماند ولي روباه تلاش زيادي كرد
 قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لَمْ تَحَاوِلْ! اِقْبَلْ مَصِيرَكَ.»
 كبوتر به او گفت: تو نمي تواني، براي چه تلاش مي كني؟ سرنوشتت را بپذير
 لَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَرَجَ مِنْ الْحُفْرَةِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدْهُدٌ وَقَالَ: «أَنَا أَعْرِفُ
 ولي روباه از گودال خارج شد
 هَذَا الثَّعْلَبُ؛ هُوَ ثَقِيلُ السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنَّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تَشَجَعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ.»
 اين روباه را، او كم شنوا است، او گمان کرده است كه كبوتر تشويق ميکند او را براي خارج شدن
 قَالَتْ الْحَيَوَانَاتُ: «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَةَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا.»
 حيوانات گفتند: ما به اهو ظلم كرديم، ما بايد به او كمك كنيم
 قَالَتْ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أَخْرُجِي.» أَنْتَ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسَهُولَةٍ. لَا تَبْأَسِي.»
 كبوتر به اهو گفت: خارج شو، تو مي تواني به آساني خارج شوي. نااميد نشو
 حَاوَلَتْ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَ فَرَحَتْ الْحَيَوَانَاتُ.
 اهو بار ديگر براي خارج شدن تلاش كرد، پس خارج شد و خوشحال شدند حيوانات



مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَهُ، وَجَدَهُ،
 هرکس چيزي بخواهد و بکوشد، مي يابد (بديست مي آورد)
 وَمَنْ قَرَعَ بَابًا وَلَجَّ وَلَجًا.
 و هرکس دري را بکوبد و پافشاري کند داخل مي شود
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فعل های ماضی در کادر بالا با دليل شرطي واقع شدن ميتوانند بصورت مضارع ترجمه شود

با ساختار شرطي در دبیرستان دوره دوم آشنا خواهيد شد





با توجه به متن درس گزینه درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

۱. حاوَلَتِ الغَزَالَةُ الخُرُوجَ مِنَ الحُفْرَةِ، فَخَرَجَتْ فِي النِّهَائَةِ.
 ۲. أَهْوَى بِرَأْسِهَا خَارِجَ شَدْنِ اَزْگُودَالِ تَلَّاشِ كِرْدِ پَسِ دَر نِهَائِتِ خَارِجِ شَدْنِ شَجَعَتِ الحَيَوَانَاتِ الثَّعْلَبَ عَلَيَّ الخُرُوجِ مِنَ الحُفْرَةِ.
 ۳. حیواناتِ رویاه را پَر خَارِجِ شَدْنِ اَزْگُودَالِ تَشْوِيقِ كَرْدَنَدِ ما سَتَرَ الصَّيَادُونَ الحُفْرَةَ فِي الغَابَةِ.
 ۴. شكارچیان گُودالی را دَر جَنگَلِ نَبُوشانَدَنَدِ كَانَتِ الحُفْرَةُ قَلِيلَةَ العَمَقِ.
 ۵. حفره كم عمق بود. اَرْبَعَةُ صَيَادِينَ كَانُوا فِي الغَابَةِ.
- چهار شكارچی دَر جَنگَلِ بُونَدَنَدِ

مرادل ساخت فعل نهی

۱. به اول فعل مضارع لا اضافه می کنیم

۲. آخر فعل مضارع را ساکن می کنیم و یا اگر ن داشته باشد حذفش می کنیم

(بجز ن جمع مونث که حذف نمی شود) تَذَهَبُ «می روی» ← لا تَذَهَبُ «نرو»

فِعْلُ النِّهْيِ (۱) ← (یا وَكَدُ، لا تَفْعَلُ)، (یا بِنْتُ، لا تَفْعَلِي)

ای پسر انجام نده ای دختر انجام نده



لا تَكْتُبِي شَيْئاً عَلَيَّ الشَّجَرِ.



چیزی بر روی درخت ننویس

لا تَكْتُبْ شَيْئاً عَلَيَّ الشَّجَرِ.

چیزی بر روی درخت ننویس



در این درس با فعل نهی آشنا می‌شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

فعل نهی		فعل مضارع		شخص
انجام نده.	لا تَفْعَلْ	تَفْعَلْ (مفرد مذکر مخاطب)	تَفْعَلِينَ (مفرد مؤنث مخاطب)	
	لا تَفْعَلِي			

فرق فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

فعل مضارع منفی	فعل نهی	فعل مضارع منفی	فعل نهی
لا تَحْزَنْ:	لا تَحْزَنْ:	لا تَكْذِبِينَ:	لا تَكْذِبي:
غمگین نمی‌شوی	غمگین نشو	دروغ نمی‌گویی	دروغ نگو

نتیجه گیری: هر وقت در ابتدای فعل مضارع **لا** بیاید و آخرش ساکن و یا ن حذف نشده باشد **لا نفی** است ولی اگر آخر فعل مضارع ساکن شده و یا ن حذف شده باشد **لا نهی** می باشد

ترجمه کنید.

از رحمت خداوند ناامید نشو	لا تَبْأَسْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
چای داغ را ننوش	لا تَشْرَبِي شايًا حارًا.

التَّمَارِين

۱

التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید درس است؟

حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ

راند

کلب

مَصِير

تَقْوِيلُ السَّمْعِ

۱. مَكَانٌ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَيُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوَانَاتٍ مُخْتَلِفَةً. مکانی که مردم بسوی آن می روند و در آن حیوانات مختلف را مشاهده می کنند
۲. الَّذِي يَمْشِي أَمَامَ قَوْمِهِ لِهَدَايَتِهِمْ. کسی که در مقابل قومش برای هدایت آنها حرکت می کند(راه می رود)
۳. حَيَوَانٌ يَحْرُسُ أَمْوَالَ النَّاسِ. حیوانی که از اموال مردم نگهداری می کند
۴. عَاقِبَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَيَاتِهِ. عَاقِبَتِ الْإِنْسَانَ فِي رِزْقِكِشِ. کسی که به خوبی نمی شنود
۵. الَّذِي لَا يَسْمَعُ جَيِّدًا.

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



يا حَبِيبَتِي،
ای دوستم
لَا تَجْعَلِي حَقِيبَتَكَ هُنَا.
کیفت را اینجا قرار نده

يا حَبِيبِي،
ای دوستم
لَا تَجْعَلْ حَقِيبَتَكَ هُنَا.
کیفت را اینجا قرار نده



۳ التَّمَرُّنُ الثَّلَاثُ:

آیات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعل‌های امر، نهی، ماضی و مضارع را معلوم کنید.

۱. **اعْمَلْ** لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَ**اعْمَلْ** لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. رسول الله ﷺ

برای دنیای خود چنان کار کن گویی تا ابد زندگی می کنی و برای آخرت خود چنان کار کن گویی فردا می میری

۲. هَلْ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

پروردگارا ما را با گروه ستمکار قرار نده

۳. لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ، رِبَاءً وَلَا تَشْرِكْهُ، حَيَاءً. الإمام عليؑ

هیچ چیزی (کار خیری) را از روی ریا انجام مده و از روی شرم، آن را ترک نکن

۴. لَا تَخْلِفْ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ. رسول الله ﷺ

چنانچه ضرورتی نباشد نه به دروغ و نه به راست به خدا قسم نخور

۵. اَطْلُبِ الْعَافِيَةَ لِغَيْرِكَ تَرْزُقْهَا فِي نَفْسِكَ. رسول الله ﷺ

عافیت را برای دیگران طلب کن تا نصیب خودت شود (تا به خودت روزی شود)

۶. إِنَّ الرَّايِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ. رسول الله ﷺ

قطعا جلودار (رهبر) به باران خود دروغ نمی گوید

۷. هَلْ لَا تَحْرُنَ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ﴿٤٠﴾ التَّوْبَةُ: ٤٠

غمگین نباش قطعاً خدا با ماست

۸. إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ. رسول الله ﷺ

هرگاه عصبانی می شوی پس سکوت کن



در جمله مثبت: تا ابد، همیشه

كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا: گویی تا ابد زندگی می کنی.

لا تَبْتَئِسْ أَبَدًا: هرگز ناامید نشو.

در جمله منفی: هرگز

۱- أَبَدًا



۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

۱. اِزْرَعْ صَدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعْ عَدَاوَةً.

دوستی بکار و دشمنی نکار

۲. اُسْكُتِي يَا طِفْلَهُ وَ لَا تَصْرُخِي.

ساکت باش ای کودک و فریاد نزن

۳. اُصْدِقْ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ اَبَدًا.

راست بگو در زندگی ات و هرگز دروغ نگو

۴. اَلْبَسْ قَمِيصًا اَبْيَضَ فِي اللَّيْلِ لِعُبُورِ الشَّارِعِ وَ لَا تَلْبَسْ اَسْوَدًا.

پوش لباس سفیدی در شب برای عبور کردن از خیابان و سیاه نبوش

۵ التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینه‌ها «ناهماهنگ» است؟

- | | | | |
|---|--|---|---|
| پلیس | شیرینی فروش | چراغ | آهنگر |
| <input type="radio"/> شُرْطِيّ | <input type="radio"/> حَلْوَانِيّ | <input checked="" type="radio"/> مِصْبَاح | <input type="radio"/> ۱. حَدَاد |
| موفقیت | دود | آتش | هیزم |
| <input checked="" type="radio"/> نَجَاح | <input type="radio"/> دُخَان | <input type="radio"/> نَار | <input type="radio"/> ۲. حَطَب |
| شب‌ها | روزها | جنگل | ماه‌ها |
| <input type="radio"/> لِيَالِي | <input type="radio"/> اَيَّام | <input checked="" type="radio"/> غَابَة | <input type="radio"/> ۳. شَهْر |
| گرفت | ابر | باران | باد |
| <input checked="" type="radio"/> اَخَذ | <input type="radio"/> سَحَاب | <input type="radio"/> مَطَر | <input type="radio"/> ۴. رِيح |
| پدر بزرگ | سیب | انگور | انار |
| <input checked="" type="radio"/> جَد | <input type="radio"/> تَفَّاح | <input type="radio"/> عِنَب | <input type="radio"/> ۵. رُمَان |
| پوپرو | بالا | زیر | بزرگسالی |
| <input type="radio"/> اَمَام | <input type="radio"/> فَوْق | <input type="radio"/> تَحْت | <input checked="" type="radio"/> ۶. كِبَر |
| سبز | بازکن | قرمز | ابی |
| <input type="radio"/> اَخْضَر | <input checked="" type="radio"/> اِفْتَح | <input type="radio"/> اَحْمَر | <input type="radio"/> ۷. اَزْرَق |
| عبادت کرد | سجده کرد | نماز خواند | مانع شد |
| <input type="radio"/> عَبَد | <input type="radio"/> سَجَد | <input type="radio"/> صَلَّى | <input checked="" type="radio"/> ۸. سَد |

٦ التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»
 کبوتر سگ مَرگ زرافه گنجشک آهو ماهی فیل اسب
 الْحَمَامَةُ - الْكَلْبُ - الذَّنْبُ - الزَّرَافَةُ - الْعُصْفُورُ - الْغَزَالَةُ - الْأَسْمَكَةُ - الْفَيْلُ - الْفَرَسُ -
 شیر روباه
 الْأَسَدُ - الثَّعْلَبُ



الثَّعْلَبُ حَيَوَانٌ مَكَّارٌ.

روباه حیوان حیله کاری است

الزَّرَافَةُ حَيَوَانٌ طَوِيلٌ.

زرافه حیوان درازی است

السَّمَكَةُ فِي النَّهْرِ.

ماهی در رودخانه است



الْأَسَدُ سُلْطَانُ الْغَايَةِ.

شیر سلطان جنگل است

الْفَيْلُ حَيَوَانٌ كَبِيرٌ.

فیل حیوان بزرگی است

هَذِهِ الْحَمَامَةُ جَمِيلَةٌ.

این کبوتر زیباست



الْفَرَسُ حَيَوَانٌ نَجِيبٌ.

اسب حیوان نجیبی است

الذَّنْبُ حَيَوَانٌ حَرِيصٌ.

مَرگ حیوان طمع کاری است

العُصْفُورُ طَائِرٌ صَغِيرٌ.

گنجشک پرنده کوچکی است

گَنْزُ الْحِكْمَةِ



بخوانید و ترجمه کنید.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ فِي الْعِلْمِ:

۱. قَوْلُ لَا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ.

امیرالمومنین علی(ع) درباره ی دانش فرموده است

گفتن نمی دانم نصف علم است

۲. مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.

هرکسی در خردسالی اش بپرسد در بزرگسالی اش پاسخ دهد

۳. كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُضُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمَ.

هر چیزی با انفاق کردن کم می شود به جز علم

۴. جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ.

زیبایی دانش نشر دادن آن و میوه ی آن عمل کردن به آن است

۵. أَيُّهَا النَّاسُ، اَعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ.

ای مردم ، بدانیدکه کمال دین خواستن علم و عمل به آن است

دو نمونه کتاب معروف در ادبیات ایران یا جهان از زبان حیوانات مثال بزنید.

.....

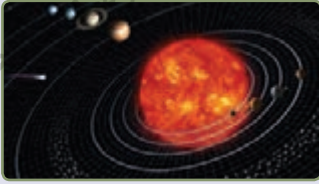
.....

.....

.....



الْقُرْآنِيَّات



١. مَا اسْمُ الْآيَةِ الَّتِي إِذَا قَرَأْتَهَا مِنَ الْآخِرِ إِلَى
اسم آیه ای که هرگاه آن را از آخر به اول بخوانی
الأوَّل لا يَتَغَيَّرُ؟
تغییر نمی کند، چیست؟
 - ﴿... كُلِّ فِي فَلَكٍ يَكُونُ﴾ هریک در مداری



٢. أَيُّ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟
کدام شب بهتر از هزار ماه است؟
 - لَيْلَةُ الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ.
شب قدر در ماه رمضان



٣. مَا مَعْنَى كَلِمَةِ «الْقُرْآنِ»؟
معنی کلمه «قرآن» چیست؟
 - الْقُرْآنُ بِمَعْنَى «الْقِرَاءَةِ».
قرآن به معنی خواندن است



٤. مَا اسْمُ أَكْبَرِ حَيَوَانَ جَاءَ ذِكْرُهُ فِي الْقُرْآنِ؟
اسم بزرگترین حیوانی که در قرآن آمده چیست؟
 - الْفَيْلُ.
فیل



٥. اذْكُرْ سُورَةَ بِاسْمِ أَحَدِ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ؟
سوره ای به نام یکی از روزهای هفته را نام ببر
 - الْجُمُعَةَ.
جمعه